

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان (ساله نظری

برداشتهای تصویری دوزخ در ایران

(از قرن ۷ تا اواخر قرن ۱۱ هجری قمری)

استاد راهنما

آقای دکتر غلامعلی حاتم

عنوان بفتش عملی

نقاشی از کتاب سندبادنامه

استاد راهنمای بفتش عملی

آقای ممدرضا دادگر

استاد مشاور

آقای دکتر نصراله تسلیمی

نگارش و تمقیق

نرگس دلاوری

شهریور ۱۳۸۸



به مادرم،

آینه ی افتادگی و عاطفه
که زندگیم برایش همه رنج بود
و
وجودش برایم همه مهر

به

آنان که در این راه همراهی ام کردند.

چکیده

در این رساله برداشت‌های تصویری از دوزخ در هنر ایران، مورد مطالعه قرار می‌گیرد که عموماً متعلق به دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفویه می‌باشند. دوره‌ی ایلخانی با توجه به آزادی نسبی مذهبی حاکمانش، کتاب‌های مصور مذهبی مانند تاریخ طبری و جامع التواریخ،... را در بر دارد.

در این آثار علاوه بر تأثیرات مذهب اسلام، انعکاس مذاهب بودایی و مسیحی نیز به چشم می‌خورد، اما تصویر دوزخ در این آثار مشاهده نمی‌شود.

در دوره‌ی تیموری، زهد‌نمایی فرمانروایان منجر به تدوین کتابهای مذهبی با نوعی آموزش‌های دینی شد که معراج‌نامه‌ی مکتب هرات از آن جمله است. در این کتاب، تصاویر دوزخ و بهشت را مورد بررسی قرار داده است.

با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره‌ی صفویه، نگارگری و نقاشی مذهبی رونق بیشتری یافت ولی در معراج‌نامه‌های پیامبر نیز تصویر کردن دوزخ مشاهده نمی‌شود، کلید واژه: دوزخ، ایلخانی، تیموری، صفوی، نگارگری.

فهرست

۱	مقدمه
	فصل اول: تعریف کلی دوزخ در عقاید و باورها در ایران (اسلام و دیگر ادیان)
۴	۱- مزدا پرستی
۱۲	۲- دین مانوی
۱۴	۳- دین قوم یهود
۱۸	۴- دین مسیح
۲۴	۵- دین اسلام
	فصل دوم: دوزخ به روایت تصویر
۲۹	نسخه خطی معراج نامه
۳۲	شرح نگاره‌ها
۵۴	ویژگی کلی نگاره‌ها
	فصل سوم: بررسی ساختار نگاره‌ها
۵۹	تجزیه و تحلیل ساختار نگاره‌ها از منظر ترکیب‌بندی و رعایت تناسبات طلایی
۷۶	تجزیه و تحلیل ساختار نگاره‌ها از منظر عناصر بصری (خط و ...)
۹۰	نتیجه‌گیری
۹۲	پروژه عملی
۹۳	فهرست منابع و مآخذ
۹۵	فهرست منابع تصاویر

مقدمه

جهان پس از مرگ حجم وسیعی از مطالب ادیان مختلف و به تبع آن هنر تصویری مربوط به آن را، به خود اختصاص داده است. مفاهیم انتزاعی و دور از دسترسی مانند دوزخ، بهشت، روح و... که هیچ گونه برابر مادی و عینی نداشته‌اند، و تا حد گسترده و متنوعی از قدرت خیال نگارگران این تصاویر، انباشته شده است. از طرف دیگر عرصه‌ی خیال‌پردازی شاعرانه و ایده‌های فلاسفه نیز در گشوده‌ای بر این مضمون بوده است که به آن جنبه‌های سمبولیک و خیال‌پردازانه‌ی متنوعی بخشیده است.

از نمونه‌های سفر در دوران باستان، سفر ایشتر الهه باروری بابل به جهان زیرین است که از الواح هفت گانه بابلی باقی مانده است. پس از فرمان‌روایی کورش بر بابل و تعامل ایرانیان با یهود، باورهای جهان پس از مرگ در دین یهود نیز گسترش پیدا کرده و بعدها از طریق آنها به مسیحیت رسید.

در ایران اسلامی نیز قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع باورهای اصلی باورهای دوزخی و بهشتی مورد استفاده‌ی مسلمان قرار گرفت و هم چنین دیگر دستاویز خیال‌پردازی در این، زمینه همانا روایت معراج پیامبر (ص) می‌باشد، که بیشترین حجم تصاویر مصور شده‌ی کتب نگارگری دوران اسلامی را به خود اختصاص داده است. گستره‌ی این نگارگری از اولین نسخ مصور مذهبی دوره‌ی تیموری (مانند معراج نامه) شروع می‌شود و تا چاپ‌های سنگی دوران قاجار و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای ادامه می‌یابد.

بررسی‌ها پیرامون این آثار، در این رساله محدود به ویژگی‌های تصویری نگاره‌ها شده است و هدف غایی آن، چگونگی ساختارهای تجسمی نگاره‌ها و ترفندهای هنرمندان نگارگر در جهت بیان تصویری این مفاهیم است.

نگارنده در مسیر مطالعاتی خود با کتاب یا پایان‌نامه‌ای که نگاره‌های دوزخ را از این منظر خاص مورد بررسی قرار داده باشد، مواجه نشد و بیشتر کتب موجود در این زمینه را آثاری تشکیل می‌دادند که عموماً با دیدگاه پژوهشی ادیان تألیف شده‌اند. روش تحقیق از این منابع به صورت پژوهش‌های تاریخی، تصویری و مقایسه‌ای انجام شد و مبنای کار بر تصاویر جمع‌آوری شده در دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفوی قرار گرفت که عموماً از پژوهش‌های کتابخانه‌ای، اینترنت و نسخ خطی قابل دسترس فراهم آمده بود.

بنابراین در ابتدای تحقیق با توجه به وجود دیدگاه‌های متنوع در مورد جهان پس از مرگ در فرهنگ‌های مختلف، مستقلاً به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

فصل اول:

تعریف کلی دوزخ در عقاید و باورها در ایران (اسلام و دیگر ادیان)

۱- مزدا پرستی

«بنیان گذار دین مزدایی در ایران، زرتشت بود. نام این پیامبر ایرانی که در اوستا زرت در هوشتر Zarathoshtرا است در میان اسامی این دین، پس از اهورامزدا، نام زرتشت در بالاترین رتبه قرار دارد، امروزه پس از تغییر و تبدیلاتی بسیار در زبان رایج فارسی، کلمه زرتشت آن طور که از اوستا برمی آید، به معنی دارنده‌ی شتر زرد است.»^۱

زرتشت

«از آنجا که دین زرتشت دارای قدمت فراوانی بوده و نیز به دلیل مقبولیت یافتن از سوی کشوری متمدن و پیشتاز در عرصه فرهنگ جهانی، در طول تاریخ مورد حمایت دولت‌های قدرتمندی قرار داشت و به یک ثبات در سیستم و رده‌بندی مقامات و پیروان آن دست یافته است. ثبات و حمایت دولتی از این دین سبب شد که عده‌ای با عنوان موبد، از طرفی به قدرت فراوان اجتماعی- سیاسی و نیز نفوذ فوق‌العاده بر سایر اقشار مردم و از طرف دیگر به یک جهان‌بینی و مکتب نسبتاً کامل دست یابند. شاید نخستین بار در ایران، دین به عنوان ابزار قدرت سیاسی مطرح شد؛ مکتبی که هم با مناسبات انسان با خدا و هم با روابط بین سایر طبقات اجتماعی سروکار داشت. روحانیون زرتشتی، به پادشاهان به خاطر داشتن فره‌ی ایزدی جنبه‌ای الهی می‌بخشیدند و در عوض از قدرت حکومت جهت پیشبرد اهداف مذهبی خویش و سرکوبی مخالفان و دیگر ادیان کمک می‌گرفتند. حمایت دولت‌های مقتدری چون هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از این دین باعث شد که تعالیم آن در گوشه و کنار جهان متمدن آن روز به نحوی نفوذ کند. از آنجا که آئین میترائیسم

^۱ - رضایی، عبدالعظیم. اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان. (چاپ هفتم). تهران. اقبال. ۱۳۸۳. ص ۹۹

شاخه‌ای از دین ایرانیان بود، تا مدت‌ها در سراسر اروپا رواج داشت. اعتقاد به جهان پس از مرگ به صورت سه دنیای بهشت، دوزخ و برزخ، تحفه‌ی ایران به جهان متمدن امروز است.^۱

«در تفکر هند و ایرانی (آریائی‌ان قبل از زرتشت) هنگامی که ایرانیان با هندیان در یک مکان می‌زیستند، مسئله بهشت و دوزخ دارای وضوح و تمایز خاصی نبود و به ویژه تصویری درباره‌ی دوزخ وجود نداشته است. احتمالاً تفکر اقوام دیگر هندواروپایی نیز جدا از تفکر یاد شده نبوده است.

تفکر بهشت و دوزخ، که کامل‌ترین اندیشه‌ی کنونی موجود در این باره نیز می‌باشد، از تفکر ایرانی برخاسته و جهانگیر شده است. سرچشمه این تصورات می‌تواند از ضد خدایان یا دیوان باشد، بدین معنی که تا وقتی که اندیشه‌ی انسان درباره ضد خدایان کمال نیابد و تبدیل به یک نظام نگردد، نمی‌توان به تصور دوزخی معتقد شد. تفکر بهشت و جهنمی از دو جهت بر جهان متمدن تأثیر گذاشت که هم اکنون نیز این اثرات به قوت خود باقی هستند: این تأثیرات شامل تحت تأثیر قرار گرفتن هند و از طرف دیگر باورهای عبریان و سپس مسیحیت در جهان امروز است. آنچه که در مورد هند مطرح می‌شود و در ریگ ودا^۲ آمده است، جهان پس از مرگ، جای خوشی و سرزمین نیاکان ذکر می‌گردد. طبعاً در برابر پاداش بهشت برای نیکوکاران باید به انتظار دوزخی به پادافره^۳ی زشتی کردار بدکاران نیز

^۱ - رضایی، مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر. تهران. اساطیر. ۱۳۸۳. ص ۲۲۵.

^۲ - ریگ ودا: سرود ستایش خدایان است. (اوشیدری، جهانگیر. دانشنامه مزدیسنا. چاپ دوم. تهران. ص ۴۶۵)

^۳ - پادافره: کیفر، سزا (رضی، هاشم. متون شرقی و سنتی زرتشتی. جلد دوم. تهران. انتشارات بهجت. ص ۲۲۲)

بود. قدیمی‌ترین مأخذی که از وجود چنین مکانی خبر می‌دهد، «آتره‌ودا»^۱ است که از خانه‌ای در زیرزمین سخن می‌گوید که آشیانه‌ی دیو- زنان و جادوگران مؤنث است و (جهان دوزخی) خوانده می‌شود و پایین‌ترین تاریکی است.

اما باید گفت که آغاز سخن از دوزخ در وداها^۲ بسیار دیر هنگام است، و اندیشه پادافره‌ی واپسین در اندیشه‌ی هندی تا دوره برهمنه‌ها رشد جدی نمی‌کند و تفکر آنان در مورد دوزخ چنان به اندیشه‌های ایرانی شبیه است که گمان می‌رود تصور دوزخ را از فرهنگ ایرانی در اعصار بعد گرفته شده است.

احتمال می‌رود در ریگ ودا اعتقاد به دوزخ چندان قوی و استوار نباشد اما باز هم سخن از جهنمی به میان می‌آید که دیو کرداران به قعر آن افکنده می‌شوند و یا دزدان و دشمنان در زیر سه طبقه زمین قرار دارند.^۳

در لغت نامه دهخدا کلمه جهنم به صورت زیر توصیف شده است:

«جهنم» (لغت محلی شوشتر). جهنم به عقیده‌ی همه‌ی ادیان، جایی در جهان دیگر که بزه‌کاران را در آنجا به انواع عقوبت کیفر دهند. نقیض [مخالف] بهشت است. در آیین زرتشتی، جایی است که در جهان دیگر که در آنجا گناهکاران جزای کارهای بد خود ببینند

^۱ - آتره ودا: خاص کاهنان فدییه و قربانی است. (او شیدری، جهانگیر. پیشین. ص ۴۶۵)

^۲ - ودا: نام کتاب مقدس هندوان است که کیش هندویی مبتنی بر آن است. واژه‌ی ودا، از ریشه وید به معنای دانش و دانستن می‌باشد. وداها سرودهایی هستند که به زبان‌کهن سانسکریت نوشته شده و زمان تصنیف آنها را یک تا دو هزار سال پیش از میلاد می‌دانند. این سرودها در چهار دفتر گردآوری شده و عبارتند از: ۱- ریگ ودا ۲- یاجور ودا ۳- ساما ودا ۴- آترو ودا (او شیدری، جهانگیر. پیشین. ص ۴۶۵).

^۳ - بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران. تهران. نشر آگاه. ۱۳۷۵. ص ۴۸۶

و آن محلی است سخت عمیق همچون چاهی بسیار تاریک و سرد، دارای دَمَه^۱ و متعفن و جانوران موزی که کوچکترین آنها به بلندی کوه است به تنبیه روان بدکاران مشغولند. تشنگی، گرسنگی، سرنگون آویخته شدن، میخ چوبین بر چشم فرورفتن، پستان (زن) بر تنور گرم چسبیدن، به پستان آویخته شدن، زبان بریده شدن و غیره، از انواع شکنجه‌ی دوزخیان است.»^۲

«اما در مورد هند شاید بتوان با قدری تسامح گفت که تفکر دوزخ و بهشت پرورده‌ی فرهنگ خودشان است. دلیل این گفته این است که ریشه‌هایی از وداها وجود دارند که وجود چنین امکانی را تا حدی اثبات می‌کنند اما در مورد عبریان باید گفت که این ثمره فرهنگی را از دین زرتشت به وام گرفته‌اند.

در کتب عهد عتیق هر جا که از مجازاتی سخن می‌رود، بدترین مجازات‌ها را مرگ می‌داند. یَهُوه^۳ Jehovah هر جا که می‌خواهد گروهی را تهدید کند، در نهایت می‌گوید که «خواهید مُرد»، اما هیچ وقت سخنی از پادافره‌ی اخروی به میان نمی‌آورد. هنگامی که موسی از کوه بالا می‌رود تا یَهُوه را ملاقات کند، از طرف یَهُوه به قوم می‌گوید که هر کس به دنبال من بیاید، خواهد مرد. این تهدید، یعنی مردن، نهایت تهدیدی است که در کتب عهد عتیق دیده می‌شود.»^۴

^۱ - - دَمَه: باد شدید همراه با برف (عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران. انتشارات امیرکبیر. ص ۵۰۸).

^۲ - دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. شماره مسلسل: ۱۸۸ - شماره حرف «د». تهران. چاپ سیروس. ۱۳۵۱. ص ۳۷۲.

^۳ - یَهُوه: خدای دین یهود (گواهی، عبدالرحیم. واژه نامه ادیان. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۴. ص ۷۰).

^۴ - رضایی، مهدی. پیشین. ص ۲۲۷.

«یکی از دلایل دیگری که مبین عدم اعتقاد عبریان به دوزخ و یا بهشت می باشد این است که در هیچ جا از عذاب و آتش دوزخ برای انذار^۱ قوم سخنی به میان نمی آید. در جاهای دیگر این کتب مانند ادیان ابتدایی، تنها از دنیای مردگان سخن به میان رفته است، به طور مثال هنگامی که می خواهند پادشاه بابل را با تهدید مورد خطاب قرار دهند، می گویند: «دنیای مردگان آماده می شود تا به استقبال تو بیاید. رهبران و پادشاهان دنیا که سالها پیش مرده اند، آنجا در انتظار تو هستند.» و نیز در جایی دیگر آمده است: «اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است سرنگون شدی. اینک وقتی مردگان ترا می بینند به تو (پادشاه بابل) خیره شده، می پرسند: آیا این همان کسی است که زمین و قدرت های جهان را می لرزاند؟». در کتب مذکور نمونه های فراوانی از این گونه برداشت وجود دارد. به بیان تورات، پس از پس از مرگ شبیحی از انسان در ته زمین می رود بدون اینکه اشاره ای به سرنوشت بعدی او کند.

این افکار پس از اسارت بنی اسرائیل در بابل، در آیین های بزرگ بعد از زرتشت و توسط ایرانیان منتشر شده و مورد ماخذ و اقتباس قرار گرفت. برای نمونه، می توان اعتقاد به وجود شیطان و عدم وجود دیو را نام برد که در بابل و در زمان اسارت یهودیان، از ایرانیان گرفته شده و منتشر شد. به دلیل همین اقتباس از اندیشه های ایرانی است که اولین بار در کتب عهد جدید از جهنم و آتش و عذاب مجرمان سخن به میان می آید. به عنوان مثال در انجیل متی آمده است: «... و اگر به دوست ناسزا گویی، سزایت آتش جهنم است» و از این جاست که تهدید و انذار با آتش و جهنم در کتب عهد جدید آغاز می شود.^۲

^۱ - انذار: ترسانیدن، آگاه کردن (عمید، حسن. پیشین. ص ۱۶۴)

^۲ - رضی، هاشم. «پایان جهان - معاد و رستاخیز، ظهور سرشیان» فروهر. تهران. ص ۲۵

«ساموئل هنری هوک معتقد است که «هر چند اسطوره‌های یهودی و مسیحی، بخشی از این‌گونه اسطوره را به جهان پس از مرگ در اساطیر زرتشتی، مرهون باشد، ولی باز می‌توان گفت که اسطوره‌ی جهان پس از مرگ از مشخصه‌ی تفکر مسیحی و یهودی است.»^۱

«به نظر می‌رسد این ادعای آقای هوک به این دلیل است که از آنجا که دین زرتشت کمتر شناخته شده است، تعالیمش نیز از نظرها دور افتاده است و مردم جهان کنونی، اعتقاد به جهان پس از مرگ را از زبان ادیانی مانند یهود، مسیح و اسلام می‌شنوند، زیرا ریشه‌ی واقعی این اندیشه از دید افراد بسیاری مشخص نیست. البته نکته‌ی دیگری که در این میان به ذهن خطور می‌کند. اشتراک همه‌ی ادیان در وحی است، متأسفانه باید گفت که غرض ورزی و یا مطالعه‌ی کم توسط بعضی از پژوهشگران منجر شده است که آیین زرتشت را ثنوی (دوگانه پرستی) دانسته و حال آنکه ثنویت زرتشت «دوگانگی در اطلاق» اوست.»^۲

«دین زرتشت در شکل نخستین خود از بسیاری مسایل مابعدالطبیعی تهی است. اما در دینی که زرتشت عرضه کرد به اطلاق توجه فراوانی مبذول شد و اصول سه گانه اخلاق زرتشتی در همه جهان شناخته شده است که این اصول به این گونه هستند: اندیشه نیک Humata (هُومت)، گفتار نیک Huxta (هُوخت)، کردار نیک Huarsta (هُورشتت) باشد، صفات و اخلاق اهریمنی درست متضاد این سه اصل است، یعنی اندیشه بد Dujhmata (دُژمَت)، گفتار بد Dujhukhta (دوژخت)، کردار بد Dujhvarshata (دژورشت).»^۳

^۱ - هنری هوک، ساموئل. اساطیر خاورمیانه. ترجمه ع.ا. بهرامی و فرنگیس مزداپور. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. ۱۳۸۰. ص ۱۳.

^۲ - رضایی، عبدالعظیم. تاریخ ادیان. جلد اول. تهران. اقبال. ص ۱۷۹

^۳ - رضی، هاشم. زرتشت پیامبر ایران باستان. تهران. انتشارات بهجت. ۱۳۸۰. ص ۷۷.

«در معنای دروغ آمده است: «دروغ یا سرای دیو برای کسانی است که با زبان خود در میان دوستانشان خشم و ستمی منتشر کنند و به ضد تربیت ستوران باشند، در نزد آنان نه کردار نیک بلکه اعمال زشت غالب است و برای ایمان دروغینشان به سرای [دوزخ] درخواهد آمد.»^۱

«در دین زرتشت برای دوزخ چهار طبقه معین شده که سه طبقه آن ویژه اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد است که آنها را دژمَت، دوزخت و دژورشت می‌گویند. گناهکار پس از رسیدن به سر پل چینَوَت Chinavat Poull یا پل صراط در گام‌های اول به محل اندیشه و گفتار و کردار داخل می‌شود و بعد از طی این مهالک در مرحله چهارم به فضای تیرگی بی‌پایان که انغرتمنگه Anaghra Temangha نام دارد، در می‌آید و آنجا مقر و مکان اهریمن است که خانمان دروغ نامیده می‌شود.»^۲

«در دین زرتشت، احساسات شخص بدکار نیز گریبان گیر او می‌شود، طوری که نتیجه احساسات شخص بدکار به هیئت پیرزن بدقیافه و اهریمنی در مقابل او مجسم می‌شود و او را به طرف دوزخ، رهنمون می‌گردد. پل چینَوَت که برای نیکوکاران پهن و وسیع می‌شود، برای این قبیل ارواح باریک و تیز می‌شود. روان بدکار از پل چینَوَت به میان نهری که از فلز گداخته است می‌افتد و از آنجا پس از طی مراحل سه گانه اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد معین شده به چهارمین جایگاه که جای تاریک و محل دروغ‌گویان و بدکاران است می‌رسد.

در دوزخ برای فرد گناهکار خوراک زهرآلود و متعفن آورده، به انواع عذاب‌ها و شکنجه‌ها معذب می‌شود و با دیوان و گناهکاران به سر می‌برد. ولی اگر عمل خوب و بد

^۱ - رضی، هاشم. زرتشت پیامبر ایران باستان. پیشین. صص ۷۸-۷۹

^۲ - رضایی، عبدالعظیم. تاریخ ادیان. جلد ۳. تهران. ص ۱۷۷.

انسان مساوی باشد وی را همیستکان Hamestakan^۱ می‌برند. آنجا نه دارای لذات بهشتی و نه دارای عذاب دوزخ است. در سپتمدگات^۲، یسنا و هات پنجاه و بند دو در مورد نیکوکارانی که داخل بهشت می‌شوند چنین آمده‌است: «در میان گروه انبوه آنانی که برابر آیین مقدس به سر می‌برند و خورشید به آنان پرتوافکن است، در روزی که پای حساب واپسین ایستند، آنان را به سرای هوشمندان [بهشت] جای دهم. در بند یک همین هات، زرتشت چنین می‌گوید: «آیا روانم پس از مرگ می‌تواند از کسی امید پناه داشته باشد؟ یقیناً می‌دانم که آن کس جز راستی و منش پاک و توای مزدا که در همین جهان استغاثه‌ام را اجابت کرده، به من و ستورانم یاری می‌کنی، کسی دیگر نخواهد بود».^۳

«در اشتادگات Eshtadgat یسنا ۴۶ قطعه‌ی ۱ در مورد اهل دوزخ می‌گوید: «کرپانها^۴ و کاویها^۵ به واسطه تسلط خویش، مردم را به سوی اعمال زشت هدایت می‌کنند، تا آنکه حیات جاودانی آنان را تباہ سازند. روان و وجدان آنان هنگامی که نزدیک پل چینوت^۶ رسند، در بیم و هراس خواهد افتاد و آنان جاودان در خانه دروغ (دوزخ) بمانند.»^۶

^۱ - همیستکان: در روایات اواخر گفته شده که آن کسانی که نیکی و بدی در دو کفه‌ی ترازوی اعمال ایشان باشد به همیستکان فرستاده می‌شوند که در آن عالم برزخ که در میان زمین و آسمان قرار دارد، جا می‌گیرند. (ناس، جان. تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. چاپ سوم. تهران. پیروزی، ۱۳۵۴. ص ۳۱۹).

^۲ - سپتمدگات: (یسنای ۵۰-۴۷). نام فصل سوم گاتها می‌باشد و لفظاً به معنی سپنتا مینو است. روز سوم از پنجه وه را نیز به مناسبت با فصل سوم گاتها سپنتا مینو نامند. (اوشید ری، جهانگیر. پیشین. ص ۵۱).

^۳ - رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب ودینهای ایرانیان باستان. پیشین. ص ۱۲۱.

^۴ - کرپانها: اجرا کنندگان دستور قربانی که با آئین مزدیسنی تضاد دارد. (رضایی، عبدالعظیم. تاریخ ادیان. جلد ۳. پیشین. ص ۱۷۸).

^۵ - کاویها: از مخالفین و دیوپرستان هستند (همان. ص ۱۷۸).

^۶ - رضایی. عبدالعظیم، تاریخ ادیان. پیشین. ص ۱۷۸.

۲- دین مانوی

پیامبر دین مانوی، مانی نام دارد که بنیان گذار این دین بوده. پدر و مادر او هر دو از پارتی‌ها بوده‌اند.

«مانویان از گروه‌های مذهبی بودند که پیوند ناگسستنی با دین زرتشتی داشتند. از باورهای مانویان این بود که اگر کسی در رهایی روح خویش از ظلمت تن توفیق یابد، پس از مرگ، روحش به قلمرو نور باز می‌گردد، در غیر این صورت در دوزخ ظلمانی سرنگون می‌شود.»^۱

«مانی می‌گوید: «اگر مرگ به سراغ شخص صدیقی^۲ آید، انسان قدیم، فرشته‌ای را به صورت حکیمی راهنما به سوی او می‌فرستد و سه فرشته با او همراه‌اند که با خود کوزه آب و جامه و تاج و دیهیمی از نور دارند و جوانی شبیه به آن صدیق همراه آنها خواهد بود، اهریمن و حرص و شهوت و اهریمنان دیگر به او ظاهر شوند. همین که صدیق آنها را مشاهده می‌کند از فرشته‌ای که به صورت حکیم راهنماست و آن سه فرشته دیگر یاری می‌جوید، آنها به وی نزدیک می‌شوند چون چشم اهریمنان به آن فرشتگان می‌افتد پا به فرار می‌گذارند. همراهان جامه و تاج و دیهیم را به او می‌پوشانند و کوزه آب را به دستش می‌دهند و او را در ستونی از ستایش به فلک ماه می‌برند. ولی جسدش همان‌طور که هست می‌ماند تا آفتاب و ماه و الهه تابان، قوای او را که آب و آتش و نسیم است به خود جذب کنند و سپس به آفتاب درآمده و در آنجا الهه گردد و باقیمانده جسدش را که ظلمت محض است به دوزخ اندازند.»

^۱ - رضایی، مهدی. پیشین. ص ۲۳۴.

^۲ - صدیق: پیروان مانی، درستکاران (رضایی، عبدالعظیم. اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان. پیشین. ص ۳۲۴).

و اما انسان ستیزه‌جویی که این کیش و نیکوکاری را پذیرفته و با این دو چیز و صدیقان همراهی داشته، هنگامی که مرگش فرا رسد، آن الهه‌ها حاضر گردند و اهریمنان نیز حاضر شوند و او به استغاثه درآید و به کردار نیک خود و نگرهبانی که از کیش و صدیقان داشته توسل جوید و آنها وی را از اهریمنان رهایی بخشند. او در این عالم مانند کسی است که در خواب چیزهای هراس‌انگیز ببیند و در گل و لای فرو رفته باشد و این حال ادامه دارد تا وقتی که نور او و روح او خالص شود و لایق پیوستن به صدیقان گردد و جامه آنها را پس از مدتی که در حال تردد بود بپوشد. ولی انسان گناهکار که حرص و شهوت بر او غلبه داشته هنگامی که مرگ به سراغش آید، اهریمنان حاضر شوند و او را گرفته شکنجه و آزار دهند و آن الهه‌ها نیز حاضر شوند و آن پوشاکها را با خود دارند و او گمان کند که برای نجاتش آمده‌اند، در حالی که آمدن آنها برای سرزنش و یادآوری کارهای زشتش بوده و قصد اتمام حجت را دارند که از همراهی و کمک به صدیقان خودداری کرده است و در همین حالت آنقدر در این عالم می‌ماند تا کامش به سر رسد و به دوزخ سرازیر گردد.»

مانی می‌گوید: «این است سه راهی که روان انسانی با آنها سروکار دارد. بهشت برای صدیقان و عالم هول و بیم (برزخ) برای نگرهبانان کیش و صدیقان و دوزخ برای انسان گناهکار و شریر»^۱.

«مانی در جای دیگری می‌گوید: «پس از انجام مراحل اولیه، انسان قدیم از عالم جُدی^۲ و بشیر^۳ از مشرق و روح الحیات از مغرب آمده بر این ساختمان با عظمت که بهشت نوین

^۱ - رضایی، عبدالعظیم. اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان. پیشین. صص ۳۲۴-۳۲۵.

^۲ - جُدی: ستاره‌ای است نزدیک قطب شمال که قبله از آن شناخته می‌شود. (رضایی، عبدالعظیم. پیشین. صص ۳۲۵).

^۳ - بشیر: فرشته مژده دهنده و بشارت دهنده (رضایی، عبدالعظیم. پیشین. صص ۳۲۵).

است، بایستند و دوزخ را دور زده در آن نظر افکنند، سپس صدیقان از جنان به سوی آن نور آمده و در آن می‌نشینند و پس از آن با شتاب تمام به مجمع الهه می‌روند و گرداگرد دوزخ ایستاده به گناهکاران نگاه می‌کنند که زیر و رو می‌شوند و در آن دوزخ با حیرت به ناله درآمده‌اند، در حالی که دوزخ به صدیقان نمی‌تواند زیان برساند. همین که چشم دوزخیان به صدیقان می‌افتد، به لابه و التماس درمی‌آیند و آنها هم جز سرزنش و ملامت جوابی نمی‌دهند که مفید به حال آنها باشد، همین امر بیشتر موجب پشیمانی گناهکاران می‌گردد و اندوهی بر اندوهشان می‌افزاید و این دوزخ تا ابد جایگاه گناهکاران و افراد شریر است.»^۱

۳- دین قوم یهود

«در کنار ادیانی که در ایران عرض اندام می‌کردند و ریشه سامی داشتند و در زمان ساسانیان هر یک از آنان پرچم مکتب خود را برافراشته بود از آن جمله دین قوم یهود است.

سابقه قوم یهود در ایران به حدود دو هزار و هفتصد سال می‌رسد. در حدود سال هفتصد پیش از میلاد، سالمانازار، پادشاه آشور، دولت اسرائیل را که پایتخت آن شهر سامره بود منقرض کرد. در آن تاریخ دو دولت از بنی اسرائیل وجود داشت یکی موسوم به دولت یهودا که افراد آن از اجداد حضرت داود و سلیمان بودند و پایتخت آن شهر اورشلیم بود و دیگری معروف به دولت اسرائیل که افراد آن از خانواده افرائیم، فرزند حضرت یوسف

^۱ - رضایی، عبدالعظیم. پیشین. ص ۳۲۵.